

## تصویر بدیعی کشمیر در آثار ادیبان

کشمیر از زمرة مناطقی است که از اوایل بنیاد خود دل‌ها را تسخیر کرده، کمند زلف سیه‌چشمانش بلبلان سخن‌سنج عالم ادب فارسی را اسیر خود گردانیده، آب و هوایش مشتاقان را شیفته ساخته است. این است که نردبان محبت بشر به کشمیر از یک بیت فردوسی طوسی تا به یک تذکره جامع شعرای کشمیر رسیده.

سید حسام‌الدین راشدی کلیه اشعار مربوط به توصیف کشمیر و خصایص آن را فراهم آورده، از جمله نوشته است:

”اگر تمام اشعاری که به وصف کشمیر به فارسی سروده شده است، یک جا گردآوری شود، اقلاً دو برابر حجم کلیه آثار سعدی خواهد بود. و این افتخار شاید نصیب هیچ جای دیگر نشده“<sup>۱</sup>.

از زمان‌های قدیم طبیعت دلفریب کشمیر، باغ‌های زیبا و درختان بهشتی اصل آن دل‌هزاران نفر را ربوده بود. دست قادر طبیعت این سرزمین را به زیبایی و جمال بی‌مثل ترصیع کرده که آن را با توصیفات «عروس دهر» و «بهشت روی زمین» موصوف دانسته‌اند. محض همین دلربایی طبیعت کشمیر بود که سیاحان و مسافران، شاعران و ادیبان را اسیر خود گردانیده، خیال تفرج آن را در سر هر کس می‌پرورید.

جواهرلعل نهر و مناظر زیبای طبیعت کشمیر را چنین به قلم داده است:

”کشمیر به جای‌های مخصوصی داخل می‌شود که آنجا زیبایی حکمران است که آدم را نامعلوم به سحر و جادوی خود مفتون و واله می‌گرداند“<sup>۲</sup>.

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، حرف آغاز، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۲۳.

۲. نهر، جواهرلعل، بازگشای هند، کتاب دوم، ص ۴۵۸.

ریاض احمد شروانی در توصیف کشمیر چنین می‌نگارد:

”هر کس بدین وادی سرسبز و خرّم قدم نهاده، از هر طبقه و گروهی بوده است، عارف یا عاصی، سلطان یا فقیر، صوفی یا فقیه، شاعر یا فیلسوف، بیگانه یا آشنا... همه در توصیف و تعریف آن یک دل و یک زبان‌اند“<sup>۱</sup>.

اروپایی‌ها نیز بعد تماشای کشمیر از نشئه زیبایی‌های آن بهره برداشته، آن را به نگین زمردی مشابه دانسته‌اند که با مرواریدها زینت داده شده است. سیاح معروف فرانسوی بیرنی در «سیاحت‌نامه» خود چنین نوشته:

”مغول‌های بزرگ کشمیر را بهشت روی زمین می‌پندارند و جهانگیر می‌گفت که وی حاضر است محض ظاهر حفظ و نگهداشت کشمیر از سایر قسمت‌های امپراتوری وسیع خود دست بردارد“.

محمّد عاصمی بعد از مسافرت کشمیر چنین نگاشته است:

”شاعران به وصف این کشور جنت آسا شعر و داستان‌ها سروده‌اند، مورخان درباره تاریخ قدیم، مردم هنرمند و شاعر پرورش جلد جلد کتاب نوشته‌اند. هر یک شخص شاعر طبع پس از تماشای کشمیر شعری یا داستانی ایجاد کرده است“<sup>۲</sup>.

به همین طریق، از مشاهده‌های سیاحان، عالمان و مسافرانی که از این خطّه خوش آب و هوا دیدن کرده‌اند، برمی‌آید که این سرزمین واقعاً هم از شاهکارهای دست پراعجاز طبیعت افسون‌کار بوده، نظیرش را در عالم امکان پیدا نمودن غیرممکن است. در مورد پیدایش کشمیر و وجه تسمیه آن تاریخ‌نامه‌ها و لغات و فرهنگ‌ها نقل‌های زیادی ذکر کرده‌اند. از آن جمله، مؤلف «تاریخ حسن» پس از نقل روایات پیدایش وادی کشمیر علت کشمیر نام گذاشته شدن این خطّه را به طریق ذیل توضیح داده است:

”طبق افسانه‌ای که ذکر گردید، چون کشتی قهرمان داستان بر غفریت مخوف پیروز شد و این قطعۀ زمین آباد گردید، نام آن به افتخار نجات‌دهنده‌اش کشتیمر نهادند که مرکّب است، از نام کشتی و به پسوند «مر»، که به زبان

۱. لیارکین و.ا.، کشمیر، ص ۱۹۶.

۲. عاصمی م.، خاطرات سفر هندوستان، ص ۷۸-۷۹.

سانسکریت معنی ماهی و مقام دارد و این اسم با کثرت استعمال به کلمه کشمیر مبدل گردید<sup>۱</sup>.

ناقلان این اساطیر هندی ضمن ترصیع آن کوشیده‌اند که به پیدایش این سرزمین عامل‌های روحانی نسبت داده، آفرینش زیبایی‌های ناتکرار آن را که دست طبیعت در لوح آن بزرگترین اعجاز خود را مصرف کرده است، به نیروی فوق‌الطبیعه منسوب دانسته، معجزه خدایان قدیم هندو دانند.

اندیشه دیگری که از جانب دکتر صوفی راجع به وجه تسمیه کشمیر ابراز گردیده، بر آن ختم می‌شود که اسم سابق ستیسر به اسم کسمیره مبدل گردید و معنی آن قطعه زمینی است که آتش به وسیله باد خشک شده است. اما برابر این نظر دیگری نیز موجود است که واژه کسمیره لغت‌یست از لهجه پرکریت بیرون آمده است. این کلمه از دو جزء، کس - فضا و میر - کوه مرکب شده که معنی فضای بین دو کوه را دارد. اگر به اوضاع جغرافیایی این وادی بنگریم، معلوم می‌گردد که کشمیر مطابق این تفسیر در میان کوه‌های بلند جای گرفته است<sup>۲</sup>.

کشمیر با آن طراوت طبیعی و خداداد چمنزارها و گلستان‌های پُر از گل و ریحان، مرغزارهای سرسبز و کشتزارهای زعفران، درختان سرسبز و خرم و دریاچه‌های آرام، جنگل‌های انبوه و آبشارهای خروشان، چنارهای باشکوه و چشمه‌ساران ولوله‌انگیز را فرا می‌گیرد که همواره الهام‌بخش ساکنان و جهانگردان بوده و هست. تفرجی به این دیار چه در ایام بهار و تابستان و چه در ایام پاییز و زمستان در لوح خاطر مسافر نقش فراموش‌ناشدنی می‌گذارد. بیهوده نیست که علامه اقبال لاهوری مست این طبیعت جنت مثال شده از سر مهر و اعتقاد به این منطقه که اصلاً خود او از این خاک برخاسته است، فرموده:

تنم گلی ز خیابان جنت کشمیر      دل از حریم حجاز و نوا ز شیراز است<sup>۳</sup>

۱. شیروانی، ریاض احمد، غنی کشمیری، ص ۴.

2. Sufi G. M. D. Kashmir, Lahore, 1949.-Vol. I, p.12-13.

۳. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۱، ص ۹۸.

محض دلربایی و دلفریبی طبیعت کشمیر است که امپراتوران تیموری هند به مانند اکبر، جهانگیر و شاه جهان عشق و علاقه شدیدی داشتند و هر گاه فرصتی پیدا می شد برای گذرانیدن تابستان و گریز از گرمی جانکاه دهلی و لاهور به این دیار زیبا و ثروت خیز پناه می بردند. خصوصاً جهانگیر به کشمیر دلبستگی خاصی داشت و در زمان حکمرانش هفت بار به این دیار زیبامنظر تشریف آورد.<sup>۱</sup> محبت جهانگیر به کشمیر تا به درجه عشق انسی رسیده بود. طغرای مشهدی این علاقه مندی جهانگیر را به کشمیر چنین بیان کرده است:

از شاه جهانگیر دم نزع چو جستند با خواهش دل گفت که کشمیر دگر هیچ<sup>۲</sup>  
 او حسن کشمیر را در آب روان، دامن کوهسار و سایه چنار می دید و هر گاهی که فرصت پیدا می شد، به کشمیر می شتافت. چندین گفتار جهانگیرشاه به مانند "پادشاهان را گلشنی ست عشرت افزا و درویشان را خلوت کده ای دلگشا"، "چندان نظر کار کند، سبزه است و آب روان"، "گل سرخ و بنفشه و نرگس خودرو صحرا صحرا"، "در و دیوار بام و خانه ها از مشعل لاله بزم افروز"، "انواع گل ها و اقسام ریاحین از آن بیشتر که به شمار درآید" و غیره که در «تزوک جهانگیری» ثبت گردیده اند، از دلبستگی او به این سرزمین گواهی می دهند.

در زمینه اندیشه های بالا می توان به نتیجه ای رسید که کشمیر با طراوت و تازگی بی اندازه و شکوه خاصه خود توجه عالمیان را به خود کشیده، گل های رنگارنگ، باغ های خوش آب و هوا، آب های نقره فام و دریاچه های خروشان و کشتزارهای زعفران این وادی مجموعاً منبع الهام هر شاعر حساس و دوستدار طبیعت، محک تفکر و اندیشه هر فیلسوف گردیده است. به همین وجه است که برای توصیف کشمیر شاعران اشعار زیادی سروده اند. در ادبیات فارسی زبان وصف این مکان جنت مثال به یکی از موضوعات اساسی مبدل گردیده، «کشمیریه سرایی» به حکم عنعنه درآمد. در رابطه به این گفته است که محمد ریاض نوشته که بسیاری از شعرای برجسته به ویژه

۱. خواجه اعظم دیده مری، تاریخ اعظمی، ص ۳۲۵.

۲. سروری، عبدالقادر، کشمیر میں نئی ادب: یکی ارتخ، ص ۲۳.

شعرای فارسی‌زبان حسن زیبارویان و سیه‌چشمان کشمیر (حافظ) و نیز هوای مناظر دلفریب این وادی جنت‌فشان را ستوده و بدین وسیله ادبیات موقر را در جمله اصناف شعر به وجود آورده‌اند که بهتر است ما آن را «کشمیریات» بنامیم.<sup>۱</sup>

از این جهت، چنین وصفیه‌ها در حق کشمیر بخش مهم ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهند که آموزش خصایص آنها ارزش مهم ادبی را صاحب است.

چون اینجا مقرر گردید که وجه اصلی توجه و محبت شعرا به کشمیر در چه است، ضرورتی پیش می‌آید که به تحقیق بعضی از ویژگی‌های اشعار توصیفیه کشمیر در ادب فارسی بپردازیم.

توجه به طبیعت کشمیر و مناظر دلپذیر آن از دوران قدیم، یا اگر دقیقتر بیان نمایم، از زمان فتح آن دیار به دست سلطان محمود غزنوی آغاز یافته است. از پارچه شعر فرخی که گفته است:

گاه است که یکباره به کشمیر خرامیم از ساعد بت پهنه کنیم، از سر بنگوی<sup>۲</sup>

برمی‌آید که در زمان او زیبایی کشمیر و مناظر دلپسند آن شهره آفاق گردیده، دقت عالمیان را به خود کشیده بوده است. به این نسبت است که چون فرخی شاعر دربار سلطان محمود بود، شاه را به فتح کشمیر تحریک می‌دهد، تا از نشئه زیبایی‌های این دیار افسانوی بهره‌ور گردند. سطرهای همان قصیده که بیتی از آن قبلاً ذکر گردید، گواه این حدیث‌اند:

شاهی‌ست به کشمیر اگر ایزد خواهد امسال نیارامم تا کین نکشم زوی

خاری که به من درخلد اندر سفر هند به چون به حذر در کف من دسته شب‌بوی<sup>۳</sup>

در بیت زیر منظور شاعر از «میر جهانگیر» سلطان محمود است که بدین صفت موصوف گشته و اینجا سخن از نبرد محمود با اهل کشمیر می‌رود:

آن میر جهانگیر که با لشکر کشمیر آن کرد که با کبک کند باز شکاری<sup>۴</sup>

۱. ریاض، محمد، سرزمین و مردم کشمیر، ص ۷۳-۸۷.

۲. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۸۲۷.

۳. همان.

۴. همان.

از محتوای بیت تخمین کردن ممکن است که آن هنگام حرکت نمودن سلطان محمود به جانب کشمیر گفته شده است.

از توجه فرخی به کشمیر می‌توان نتیجه برداشت که شعرای عهد اول بر مبنای شنیده‌هایشان از زیبایی‌های خطّه مذکور اشعار سروده‌اند. به این نسبت در شعر آنها میل دیدار کشمیر، ره گرفتن سوی آن، آرزوی نشئه‌برداشتن از مناظر دلفریش ترسیم یافته است. ضمن این گفته می‌توان ابراز داشت که شعرا چون از دیدار کشمیر بی‌نصیب بودند، بیشتر در اشعار خویش از آن نام می‌بردند، ولی نامبرده‌های ایشان مقررری نبوده، بلکه از سر مهر و ارادت به طبیعت این دیار و مناظر بی‌مثل آن که آوازه‌اش اقصای عالم را فرا گرفته بود، صدا داده است.

نخستین کسی که در شعرش ذکر کشمیر کرده حکیم فردوسی طوسیست که او از کشمیر بدون هیچ توصیفات، همچون ایالت جغرافیایی چنین ذکر کرده:

ز کشمیر تا پیش دریای چین برو شهریاران کنند آفرین

در مراحل بعدینه رشد ادبیات، آهسته آهسته مسایل دیگر چون وصف بتان کشمیر و نقش و نگاری که نقّاش طبیعت به لوح این خطّه کشیده است به اشعار شعرا راه می‌یابد. البته سببگار این پیش از همه، افزودن شهرت تجمل کشمیر بود. چونکه وقتی سلطان محمود راه کشمیر را باز نمود، مسافرت‌ها به اینجا افزون گشته، دیدار آن دایره توصیفات خطّه مذکور را افزون ساخت و همین جهت است که در اشعار عنصری لعبتان کشمیر تصاویر طبیعت آن وصف گردیده‌اند:

یکی را لعبت کشمیر خواند یکی را بر کشیده سرو کیشمر  
چو کشمیر سرو او با زیب و با حسن چو کشمیر اصل او پرنقش و پُرفر<sup>۱</sup>

در ردیف عبارت «لعبت کشمیری» عنصری در شعر منوچهری توصیف «بت کشمیری» آمده است که از توصیفات دگرگونه‌ای مربوط به کشمیر است:

تا بت کشمیر بود جعد موی تا زن بدمهر بود جنگجوی<sup>۲</sup>

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۸۲۷.

۲. همان.

همچنین کشمیر در اشعار شعرا معنی‌های مرموز و تمثیلی کسب کرده و در اکثر موارد به صفت تشبیه زیبایی معشوقه به کار گرفته می‌شد. شعرا در این زمینه از تشبیهات «کشمیری»، «کشمیری رخ» و غیره استفاده می‌نمودند. به این نسبت است که قطران تبریزی کاخ خود را به جلوۀ جمال معشوق مشابه کشمیر دانسته می‌فرماید:

همیشه کاخ من از عارض تو چون کشمیر همیشه باغ من از قامت تو چون کیشمر<sup>۱</sup>

این نکته بیشتر در اشعار شعرای قصیده‌سرا به مشاهده می‌رسید. از این لحاظ، آنها جهت افادۀ صفات جمال و اظهار محبت خویش به امیران و شاهان عبارات «کشمیری رخ»، «عارض کشمیری»، «کشمیری»، «میر بتان کشمیری» را به کار گرفته‌اند. مثلاً قطران وقتی می‌گوید:

ای به خوبی بر بتان کابل و کشمیر میر مردم از بس آوری بر دره‌ها تأخیر میر<sup>۲</sup>

به روشنی هویدا خواهد گردید که برای شعرای مدیحه‌سرا تنها شاه و امیر است که میر بتان کابل کشمیر گردد. گذشته از این، شاعر برای فصاحت کلام خویش از تجنیس لفظ ماهرانه کاربست کرده است. در این پارچه کشمیر و میر تجنیس لفظی بوده، هنرمندانه به هم آمده‌اند.

کشمیر با آن که مکان لطافت و زیبایی است و همیشه توجه و ذوق زیبای پرستان را به خود جذب می‌سازد، زنان و دخترانش نیز با زیبایی خویش جهانیان را مجنون خود ساخته‌اند. این نکته از تمایل شعرا به دیدار بتان کشمیری به روشنی هویدا می‌گردد. به این نسبت است که در ادبیات فارسی تعبیرهای «بت کشمیری»، «جادوی کشمیر»، «سیه‌چشمان کشمیری»، «خوبان کشمیر»، «حور کشمیر»، «لعبت کشمیر»، «نگار کشمیر» و غیره ظهور کرده، از چشمان جادو، رنگ سرخ و سفید، گیسوان مشکین و قامت دراز، قیافه جذّاب سخن می‌کردند. توجه شعرا به حسن و جمال کشمیریان زیبارخ و ملکه‌های زیبایی تا آنجا می‌رسد که شاعر ظهوری به حسن خداداد آنها سوگند می‌خورد:

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۸۲۷.

۲. همان.

به شکردهانان هندی نسب      به رعنا ملیحان برّ عرب  
به ترکان غارتگر صبر و هوش      به کشمیریان صباحت فروش<sup>۱</sup>

عبارت «کشمیریان صباحت فروش» شاعرانه بوده، به زیبایی و نزاکت بی مثل نازنینان کشمیر اشارت می‌کند. تعداد این گونه عبارات و توصیفات بسیار است:  
سعدی شیرازی:

ندانم از چه گل است آن نگار یغمایی      که خط کشیده در اوصاف نیکوان چگل  
بدین کمال ندارند حسن در کشمیر      چنین بلیغ ندانند سحر در بابل<sup>۲</sup>  
خواجوی کرمانی فرماید:

دامن خرگه برافکن، ای بت کشمیر      سرو قباپوش و آفتاب جهانگیر<sup>۳</sup>

عبارات توصیفی «سرو قباپوش و آفتاب جهانگیر» که برای وصف بت کشمیری آمده‌اند، شهادت زیبایی کشمیریان را تلقین می‌نمایند.

خواجه حافظ شیرازی، سیه‌چشمان کشمیر را مفتون حدیث دلفریب و شعر ناتکرار و مجزای خویش دیده می‌فرماید:

ز شعر حافظ شیراز می‌گویند و می‌رقصند      سیه‌چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی<sup>۴</sup>

عبدالرحمن جامی نیز مفتون جمال زیبارخان کشمیر و مناظر دلفریب آن گردیده، آنجا را «مقام خوبرویان» و «رشک فردوس برین» می‌داند:

یکی گفتا که در اقصای کشمیر      ز شیرینی نیست هیچ تقصیر  
مقام خوبرویان آن زمین است      به خوبی رشک فردوس برین است<sup>۵</sup>

در برابر تابش‌های معنایی در بالا ذکر شده، به نظر می‌رسد که در اشعار بعضی شعرای صوفی مشرب واژه کشمیر مضامین عرفانی کسب می‌کند. در این زمینه در تفکر صوفیانه شاعران، کشمیر به معنی تجلیگاه وجود بی‌مثل و جمال یکتا استفاده گردیده

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۸۳۲.

۲. همان، ص ۱۸۳۰.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.



است. به این معنی ست که عارف نامور قرن ۱۳ اوحدی مراغه‌ای محبوب یگانه خویش را به تعبیر «کشمیری رخ» موصوف دانسته می‌فرماید:

ماه کشمیری رخ من از ستمگاری که هست می‌پسندد بر من بیچاره هر خواری که هست<sup>۱</sup>

تماشای مناظر زیبای کشمیر که نتیجه صنع خداوند محسوب می‌شوند، اقبال لاهوری را به تفکر فلسفی کشیده است. شاعر در تماشای این همه سحر خامه الهی سیر مقامات معنوی کرده، آواز توحید می‌شنود و قدم دنباله معرفت خداوند می‌گذارد. از این لحاظ، در توصیفات او ما جلوه روشن مضامین عرفانی را احساس می‌کنیم:

کوه و دریا و غروب آفتاب من خدا را دیدم اینجا بی‌حجاب<sup>۲</sup>

پیش اقبال مناظر زیبای کشمیر آینه تجلیات الهی بوده، به گوش وی پیام و آهنگ وحدت می‌رساند. از این رو، او دیگران را به این جلوه‌گاه زیبایی، که راهی به معرفت ذات یکتا باز می‌نماید، دعوت می‌کند:

رخت به کاشمر کُشا، کوه و تل و دمن نگر سبزه جهان جهان ببین، لاله چمن چمن نگر

باد بهار موج موج، مرغ بهار فوج فوج سنبل و سار زوج زوج، بر سر نارون نگر<sup>۳</sup>

همین طور، محبت کشمیر آنچنان در دل شعرا مسکن گرفت که ایشان همیشه در خیال دیدار این مکان بهستی اصل و سکونت در آن زندگی خویش را دنبال فردا رهسپار می‌نمودند. از این دیدگاه، جلوه تمثال کشمیر در ادبیات فارسی گاهی همچون کشور زیبایی، مکان بهستی اصل، قلمرو حوران بهستی، زادبوم لعبتان دلربا و بتان گلرخ تجلی کرده است. گاه دیگر در ارتباط به مسکن زیبایی بودن این قلمرو شعرای صوفی مشرب آن را به حیث آینه تجلیات جمال الهی معنی داد کرده‌اند.

از مطالعه اشعار شعرای این عهد برمی‌آید که ابتدا آنها تنها در ابیات جداگانه به توصیف طبیعت کشمیر و گلرخان و لعبتان آن می‌پرداختند و در لحظه‌های ضروری وصف کشمیر و توصیفات مربوط به آن را لازم می‌شماریدند. اما در اشعار شعرای

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۸۳۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۰۱.

۳. اقبال، محمد، پیغام شرق، ص ۱۱۰.

عصرهای ۱۶-۱۷ شاعران به وصف کشمیر و مناظر و مناطق جداگانه آن غزل، قصاید و حتی مثنوی‌های جداگانه سروده‌اند که توجه به اشعار طالب آملی، عرفی شیرازی، فیضی دکنی، کلیم کاشانی، قدسی مشهدی، ملا منیر لاهوری، میرزا داراب بیگ جویا، ظفرخان احسن، فروغی کشمیری، رفیع خراسانی، عنایت خان آشنا، ملاشاه بدخشی، میر یحیی کاشی، سلیم طهرانی، بینش کشمیری، بهشتی کشمیری و دیگران شهادت این گفته‌های ماست. برای عمیق روشنی انداختن به این مسئله ما تحقیق توصیفات شعرا را از کشمیر به طریق ذیل بررسی می‌نماییم:

۱. غزلیات در وصف کشمیر؛
۲. قصاید در وصف کشمیر؛
۳. مثنوی‌ها در وصف کشمیر؛
۴. رباعیات در وصف کشمیر.

منظور ما در این بحث بررسی غزلیاتیست که وصف کشمیر را در خود گنجایش داده‌اند و از مطلع تا مقطع غزل سخن از زیبایی‌های کشمیر و مناظر دلپذیر آن، توصیف زیبارخان این دیار بهشت آیین می‌رود. مثلاً، در آثار طالب آملی شعرهایی که به وصف کشمیر و نادره‌های آن بخشیده شده است، فراوان دچار می‌شوند که در آنها شاعر از بهار نکوی کشمیر، کوه و رودها، مرغزار و لاله‌زارها، درختان همیشه‌سبز و پرثمر و گل‌های جهانزيب و گیاه‌های شفابخش سخن رانده، بلکه در ملاحظت مردم این کشور با شور و شوق سخن رانده، دیگران را به این دیار خوبان دلربا و کرشمه‌ها و نازها دعوت می‌کند. همچنین در این غزل غایی همبستگی واقعی طبیعت و انسان قلمداد شده است:

بیا که مجمع خوبان دلربا اینجاست	کرشمه‌ها همه اینجا و نازها اینجاست
قدم ز خطه کشمیر برنمی‌داریم	مقیم مرکز عیشیم و جای ما اینجاست
مده به غارت بیگانه کشور دل خویش	که ترک‌تاز نگه‌های آشنا اینجاست
کجا بهشت و کجا بزم باده؟ ای زاهد!	تو دل به جای دگر بسته ای و جا اینجاست
جوان شو از نفسم، همشین، مرو به چمن!	اگر به کسب هوا می‌روی، هوا اینجاست
به اولین قدم از اهل راز ماندی باز	کرا خیال که همراهی تو تا اینجاست

به کنج گلخن خویشم، هوای گلشن نیست کجا روم که مرا باغ دلکشا اینجاست<sup>۱</sup>  
جای دیگر طالب سخن از گلشن ناتکرار و بی مثل کشمیر کرده، در آغاز غزل چنین  
می نگارد:

دولت به سیر گلشن کشمیر می رود      وان گه چو باد صبح به شبگیر می رود  
شاداب گلشنی که به سیر بهار او      شاهنشاهی چو شاه جهانگیر می رود  
او می رود به گلشن کشمیر و از پسش      مرغ دعا به گلشن تأثیر می رود<sup>۲</sup>

از مضمون پارچه بالایی برمی آید که غزل مذکور هنگام سفر جهانگیر پادشاه  
(۱۶۰۵-۱۶۲۷) به کشمیر سروده شده است. از این رو، «دولت به سیر گلشن کشمیر  
می رود» گفتن طالب بر دو معنی است. نخست منظور از دولت خود پادشاه است و ثانیاً  
بایگری. به این نسبت در ادامه غزل او هر گلشنی را که جهانگیر به آن قدم می گذارد، از  
فیض قدمش شاداب می حسابد.

غزل دیگری که طالب به وصف کشمیر سروده است، با ردیف «کشمیر» ایجاد  
گردیده، چنین آغاز می یابد:

فیض پیاله بخشد، آب و هوای کشمیر      از خشت خم نهادند گویی بنای کشمیر  
چون خاک عشقبازان هر لحظه بر مشامم      بوی محبت آید از کوچه های کشمیر  
کشمیر می ستانم، از حق به جای جنت      اما نمی ستانم جنت به جای کشمیر<sup>۳</sup>

شاعر آب و هوای کشمیر را همپای فیض پیاله می داند، یعنی هر کسی که به تفرج  
این دیار بهشت منظر آید، بدون تردید از فیض هوا و آب آن فیض پیاله خواهد یافت. او  
به شگفت می آید که مگر بنای کشمیر را از خشت خم نهاده اند که هوایش فیض پیاله  
دارد. طالب در مصرع های بعدی آنچنان از نشئه آب و هوای کشمیر گرفتار جنون  
می گردد که از خداوند به جای جنت کشمیر را می ستاند. این نکته از محبت بی اندازه  
شاعر به این کشور پرفیض گواهی می دهد.

۱. راشدی، سید حسام الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۸۶۳.

۲. همان، ص ۱۸۶۴.

۳. همان.

طغرای مشهدی نیز به وصف طبیعت کشمیر غزل‌های آبدار گفته است که در رساله‌های «فردوسی» و «تجلیات» او جای گرفته‌اند.

محمد جمیل جمیل که اصلاً از بدخشان بوده، قسمت زیاد عمرش را در کشمیر گذرانیده است، از زیبایی و خرمی‌های طبیعت این دیار الهام و قوهٔ ایجادی گرفته، در وصف منظره‌های فرح‌بخش آن غزل لطیف دلپسند سروده است که با مطلع‌های زیرین آغاز می‌شوند:

له الحمد که بازم ز نسیم کشمیر      تازه و تر شده امروز گلستان ضمیر<sup>۱</sup>

یا:

عرصهٔ کشمیر دارد ذوق جنت النعیم

همچو فردوسش هوا، چون روزهٔ رضوان نسیم<sup>۲</sup>

برابر غزل‌سرایی در وصف مناظر بی‌نظیر کشمیر شعرا اهتمام ورزیده‌اند که قصایدی در توصیف منظره‌ها، گلگشت و خیابان‌های آن بسرایند، تا احساسات شیرین و لطیف عاشقانهٔ خویش را در انحصار آن انعکاس نمایند. در این زمینه به قصاید عرفی شیرازی، لطفی خوانساری، نثاری بخارایی، طالب آملی، ابوطالب کلیم، رفعتی تبریزی، شاپور تهرانی، فیضی دکنی و دیگران می‌توان رجوع نمود.

عرفی شیرازی در رکاب جلال‌الدین اکبر به تماشای کشمیر آمده (۱۵۸۹)، مفتون مناظر دل‌فریب این سرزمین گشت. او همان وقت در وصف کشمیر قصیده‌ای سرود که در آن از محبت صمیمانه‌اش به این سرزمین آیتی روشن و صریح سخن می‌گوید. شاعر در این قصیده که از ۳۶ بیت عبارت است، طبیعت دل‌ربای کشمیر را خیلی خوب و برجسته تصویر کرده است:

هر سوخته جانی که به کشمیر درآید      گر مرغ کباب است که با بال و پر آید  
بنگر که ز فیضش بشود گوهر یکتا      جایی که خزف گر رود آنجا گهر آید  
از بلبل خاموش دل باغ گرفتست      او را چه گنه محمل گل دیرتر آید

۱. حبیبوف ا، از تاریخ روابط ادبی بدخشان با هندوستان (عصرهای ۱۶-۱۷ و ۱۸)، ص ۹۷.

۲. همان، ص ۳۰.

گل هم چه کند، باد صبا خواست که عرفی آید سوی کشمیر و گلش بر اثر آید<sup>۱</sup> طبیعت این دیار فقط به زیبایی خود انگشت‌نما نیست، بلکه طبیعت آن شفافبخش همه گونه بیماری‌هاست. منظور از بیماری در اینجا هم به معنی طَبّی و هم معنوی است، یعنی اگر انسان جسماً ضعیف یا او را بیماری جسمانی رنج دهد، گیاه‌ها و آب و هوای کشمیر به درد وی مداوا خواهند گردید. ولی مهم‌تر از همه، اگر انسان از تلاشهای عالم پرماجرا دلگیر شده و مبتلای غم و اندوه گردد، فیض طبیعت این دیار به دل او شادمانی افکنده، شعله‌امیدهای نو را فروزان خواهد نمود.

قصیده دیگری که در آن طبیعت کشمیر با تمام گل و ریاحینش و مناظر ناتکرارش وصف گردیده است، متعلق به قلم فیضی دکنی است. این قصیده شامل ۱۰۰ بیت بوده، در زمان خود شاعر شهرت زیادی پیدا کرد. شاعر توانسته است که با هنرمندی خاص طبیعت کشمیر را پیشاروی ما جلوه‌گر سازد و خیال تفرج باغ‌های آن را در عالم روحانی انسان تولید سازد:

هزار قافله شوق می‌کند شبگیر      که بار عیش گشاید به خطه کشمیر  
غبار او بتوان خواند چشم را دارو      گیاه او بتوان گفت روح را اکسیر  
به تن موافقت آب او چو باده گل      به جان مناسبت باد او چو شکر و شیر  
به پیش فیض نسیمش دم مسیح سموم      به نزد آب زلالش زلال خضر غدیر<sup>۲</sup>

یکی از خصوصیت‌های قصاید در وصف کشمیر سروده شده در آن تظاهر می‌نماید که آنها بیشتر صفات مناظر علی‌حده را از مناطق کشمیر فرا می‌گیرند. مثلاً، قصیده طالب آملی «در توصیف راه‌ها و مناظر کشمیر و مدح جهانگیر پادشاه» به صفت راه‌ها و منظره‌های مؤثر کشمیر اختصاص دارد. شاعر بلندی راه‌های کشمیر را تا آن جایی می‌داند که آسمان در زیر آنها می‌ماند:

شد آسان طی ره دشوار کشمیر      به اقبال شهنشاه جهانگیر  
قدم بر تیغ کوهی گشت گستاخ      که بر وی نگذرد پوینده نخچیر

۱. قصاید عرفی، به اهتمام مسرا سپرنتندنت، ص ۸۷.

۲. همان، ص ۱۱۲.

رهی کردیم طی، کز پیچ و تابش      به دندان لب گزد مار شکن گیر  
 عنان دادم بر هنجار کوهی      که بود آن کوه بالا، آسمان زیر<sup>۱</sup>  
 طالب وصف راه‌های کشمیر را در چند بیت دیگر ادامه داده، سپس به وصف مناظر  
 کشمیر می‌پردازد:

به هر منزل، غلط کردم، به هر گام      هزاران طفل نابالغ شدی پیر  
 ز محنت گرچه پر خار است راهش      ولی در سر و گل هم نیست تقصیر  
 یکی باغی ست ایزدساز، کوهی      که معمار بهارش کرده تعمیر  
 ظهور میوه و گل با شکوفه      به آن موسم در او، چون باغ تصویر  
 به هر سو بید مجنونی نشسته      به پا پیچیده آبی همچو زنجیر  
 درختان بلند سبز شاخس      کمان قامت افلاک را تیر  
 ز یک سو قمریان در ناله زار      ز یک سو بلبلان در نغمه زیر  
 زمین ز انواع گل‌ها تازه و تر      هزار الوان مرغان خوان به تدبیر<sup>۲</sup>

از محتوای ابیات بالا برمی‌آید که راه‌های کشمیر تنگ و پرپیچ و تاب بوده، طی کردن آنها ریاضت و مدت زیادی را طلب می‌کرد به حدی که در هر قدم هزار طفل نابالغ پیر می‌شود. و اگرچه راه‌های کشمیر دشوارگذر بودند، ولی باغ‌تاش از سر و گل لبریز بوده، با زیبایی بی‌چون آرایش یافته‌اند. دست صاحب قدرت بهار این باغ‌ها را آنچنان آرایش داده که در زیبایی نظیر ندارند. درختان بلند سبز شاخس شبیه آن می‌باشند که گویا به کمان قامت افلاک تیر باشند، روی شاخه‌های این درختان بلند آشیان قمریان و بلبلان همیشه مشغول نغمه‌سرایی می‌باشند.

قصیده دیگر طالب «در وصف گلشن کشمیر و مدح جهانگیر» نام دارد که در آن وصف این دیار افسانوی کرده است.

بسیار مهم است که شاعر در این سروده‌اش جزئیات طبیعت کشمیر را، چنان که در ایجادیات شاعران دیگر می‌بینیم، به تنهایی وصف نکرده است. چون شاعر این جزئیات

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۸۶۵.

۲. همان، ص ۱۸۶۶.

را با جزئیات طبیعت دیگر کشورها در مقایسه قلمداد می‌کند، بزرگی و حشمت کشور کشمیر شکوهمندتر به نظر جلوه‌گر می‌شود.

در برابر قصاید متعددی که شاعران در توصیف کشمیر سروده‌اند، مثنوی‌هایی نیز به چشم می‌رسند که در صفت مناظر و مناطق کشمیر ایجاد گردیده‌اند. از آن جمله، محمدسید اشرف مازندرانی، بینش کشمیری، عنایت خان آشنا، مولانا حیدر خصالی، میر یحیی کاشی، میر الهی، ملا حسن فروغی کشمیری، محمدقلی سلیم طهرانی، بهشتی، ابوالبرکات منیر لاهوری، سالک قزوینی، میر صیدی صفاهانی، طغرای مشهدی، رفیع خراسانی، محمدجان قدسی مشهدی، طالب آملی در صفات مناظر دلفریب کشمیر مثنوی‌ها انشا کرده، در آن باغات و چشمه‌سار، آب‌های زلال، منزلهای ناتکرار و گل‌های رنگارنگ این دیار افسانوی را وصف کرده‌اند.

در این زمینه «مثنوی در وصف کشمیر» قدسی مشهدی متقدم است که متن کامل آن بار نخست از «تذکره شعرای کشمیر» محمد اصلح پیدا شده است. مثنوی مذکور توصیف باغ‌ها و چشمه‌ها و میوه‌ها و درختان کشمیر را فرا گرفته است:

خوشا کشمیر و خاک پاک کشمیر	که سر برزد بهشت از خاک کشمیر
چه کشمیر، آبروی هفت کشور	نگاه از دیدن او تازه و تر
چه کشمیر، آب و رنگ باغ و بوستان	اسیر هر نهالش صد گلستان
سوادش سرمه چشم بهار است	بهشت و جوی شیرش آب لار است
سواد خط‌ه‌اش رسمی نهادست	که سبزی از سواد اینجا مراد است <sup>۱</sup>

قدسی در آغاز صفات کشمیر برای وصف این ایالت تعبیرات «آبروی هفت کشور»، «آب و رنگ باغ و بوستان»، «سوادش سرمه چشم بهار» و غیره را به کار گرفته است. گفتن ممکن است که محض توسط وصف کشمیر شعرا در آفریدن معنی‌های بکر، تشبیهات تازه اهتمام زیاد ورزیده‌اند که پارچه ذکر شده شهادت این گفته است.

سپس، قدسی با هنرمندی تام از مجموع زیبایی‌های کشمیر سخن کرده، به تماشای آنها دعوت می‌کند. بعداً، منظره‌های دلفریب بهار باغ‌های کشمیر را در کارگاه تخیلش

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۲۸۲.

به کار گرفته، با بهترین تشبیه و استعارات و توصیفات به قلم می‌آرد. او از گل‌های سر دیوارش که «رَشک چین» باشند و افادهٔ سرسبزی را دارند، از سروی که جای سبزه در دامن کوه‌ها «سر به چرخ دوار دارد»، از نوای بلبلانی که «در یک پرده صد آهنگ دارند»، سخن کرده، در مجموع اینجا را «خریدار متاع عین»، یعنی واقعاً تماشاباب می‌شمارد. سپس قدسی به توصیف باغ‌های کشمیر می‌پردازد که جزء مهم توصیفات مثنوی را اشغال کرده‌اند. نخست به توصیف باغ جهان‌آرا پرداخته، آن را بهترین مکان می‌شمارد که در دنیا نظیر ندارد. قدسی توصیف باغ‌های کشمیر را ادامه داده، هر یکی را از دیگری زیباتر و بی‌مثلتر معرفی می‌کند. وقتی به توصیف باغ آصف‌آباد می‌رسد، به اندیشه‌ای می‌آید که گویا سلیمان ملک خود را به صورت این باغ رونما کرده است. چشمهٔ این باغ را با چشمهٔ زم زم قرین می‌شمارد. شاعر پس از تعریف باغ اکبرآباد به توصیف باغ فرح‌بخش پرداخته، در صفت این باغ می‌فزاید که باغ فرح‌بخش منظور اصلی من است و هرگز بعد از این باغ آرزوی بهشت و باغ‌های آن را نخواهم کرد. شاعر در توصیف این باغ می‌کوشد که به تدریج حالات سبزه‌ها، سرفرازی سروهایش که به معراج رسیده‌اند، آب‌هایش که نشئه از آب کوثر دارند و غیره را شاعرانه به قلم آورد. شاعر از تماشای آب و هوای این دیار چنان به وجد آمده سرخوش شده که به صنعت غلو گشته و برگشته رو می‌آرد. در نظر شاعر هر یک برگ درخت این باغ یک گلستان است و هر برگی آینه است. آینهٔ عادی نه، بلکه آینهٔ جهان‌نما که در آن روی زیبای محبوب تجلی می‌کند. یعنی شاعر با این تأکیدات از یک جانب، محبت بی‌پایان خود را به این باغ افاده کرده، از جانب دیگر، تمثال حسن تازهٔ جهان بودن این پارچهٔ خوش‌منظر زمین را تأکید دارد.

باغ فیض‌بخش در تصویر شاعر یک دورهٔ عمر انسانی را به خود کسب کرده است که شبیه ایام جوانی انسان است. و شاعر با این اشارت بر جوش و خروش طبیعت این منظره و حسن زیبای آن که خاص ایام جوانی است، تأکید دارد:

ز باغ فیض‌بخشم دل بود شاد      کز ایام جوانی می‌دهد یاد  
حصاری گرد این گلشن کشیدند      ز گوهر مَهره دیوار چیدند  
چو محراب درش را سرو دیدی      مؤذن وار قامت بر کشیدی



ز شوخی سبزه‌اش پیش از دمیدن نیاساید ز مشق قد کشیدن  
 ز بس برگ تماشا می‌کند ساز بود نارسته چشم نرگش باز<sup>۱</sup>

دیگر باغی که مورد توصیف قدسی قرار گرفته است، باغ نسیم است که در آغوش عیش‌آباد قرار دارد. سخن‌بازی شاعر مصرع اول را بسا دلکش کرده است. زیرا «نسیم» به دو معنا آمده و یکی دیگری را کامل تر کرده. و اگر شاعران دیگر کشمیر منظره آن را به بهشت مانند کرده باشند، این قلمکش بهشت را از مریدان قدیم باغ نسیم می‌شمارد:

نسیم فیض در باغ نسیم است بهشتش از مریدان قدیم است  
 شود سبز از نم آن تازه گلشن پر مرغ هوا چون برگ سوسن<sup>۲</sup>  
 به همین طرز، قدسی باغ نور، بهرا را و بیگم‌آباد را نیز توصیف کرده است.

شاعر توانسته است که در قالب مثنوی محبت خود را به این سرزمین بهشتی آیین بیان نماید. در این زمینه موفق هم شده است که جمال باغ‌های کشمیر را از آن که هست بیشتر پیشاروی خواننده جلوه داده، محبت این سرزمین افسانوی را به دل‌ها بیشتر انتقال بخشد. باید گفت که نه تنها باغ‌های کشمیر، بلکه آب‌های مصفا‌ی این دیار نیز از زبان خامه محبت شاعر تراوش یافته‌اند. قدسی وقتی وصف چشمه ویرنگ می‌کند، به آن می‌رسد که اگر خضر سرچشمه ویرنگ را جوید، دست از چشمه حیوان می‌شوید. شاعر طلب عمر ابد را از چشمه اچول می‌کند و با تأسف می‌گوید که اگر سکندر از آب این چشمه می‌خورد، شاید به حسرت آب حیوان نمی‌مُرد. در کوه کشمیر تالابی موجود که به وجه افزونی صفایش آن را تالاب صفاپور گفته‌اند. قدسی مشهدی آن را ماهرانه ستوده، از آن جمله نور جام جهان‌بین را منفعل نور تالاب صفاپور می‌بیند:

بود جام جهان‌بین گرچه پرنور ندارد نور تالاب صفاپور  
 ز آبش عکس کشتی‌ها نمودار چو از آینه عکس ابروی یار<sup>۳</sup>

ثانیاً، شاعر از این آفریده طبیعت فسون‌کار به وجد آمده، هر یک پدیده طبیعی را

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۳۰۴.

۲. همان، ص ۱۳۰۶.

۳. همان، ص ۱۲۹۴.

بسا زیبا و دلفریب می‌بیند و آنها را در تشبیهات گیرا منظور خوانندگان می‌کند. سایه کشتی را در آب به عکس ابروی یار قیاس کردن شاعر اثبات این ادعا خواهد بود. یا خود شاعر پدیده‌های طبیعی را در انکشاف به قلم می‌دهد و عاقبت آنها را محتوا می‌بخشد. به طور مثال:

ز عکس گل به آب آتش فتاده چنان، کز آب یابی فیض باده<sup>۱</sup>

خواننده گویا می‌بیند که گل سرخ در آب تجلی می‌یابد. ولی ایجادکار با این تصویر قانع نیست. وی تصویر را انکشاف داده، از عاقبت این تجلیات معنی بکر می‌برد. یعنی گل در آب تجلی یافته آب را مأوای آتش می‌کند. ولی شاعر نازک‌بین با افاده این اندیشه عمیق هم قناعت نکرده، اضافه می‌کند که گل در آب عکس‌اندازی کرده و آن را به خروار آتش تبدیل داده، چنان تأثیراتی به بر می‌آرد که آب سرد و خام می‌پزد، شربت می‌گیرد و در نهایت کار لذت می‌را پیدا می‌کند.

جانب دیگر مسئله آن است که مواد تصویر نیز خود به شاعر تأثیر عمیقی رسانیده، او را به مرتبه‌های بلند الهام برداشته است.

اضافه به آن مناظر و مناطق کشمیر که در مثنوی قدسی وصف شده‌اند، او به توصیف باغ‌های صادق‌آباد، بیگم‌آباد و چشمه‌اچول نیز پرداخته است که این توصیفات در دیگر مثنوی‌های به کشمیر بخشیده شده به چشم نمی‌رسد.

همین طریق، توصیفات آب‌های کشمیر، آبشار و انهار و تالاب و حوض‌های آن بخش عمده مثنوی قدسی را تشکیل می‌دهد که از فیضان محبت شاعر به آب‌های مصفا‌ی این سرزمین تراوش یافته‌اند.

بخش دیگر اشعار توصیفی به کوه‌های کشمیر اختصاص دارد. در این زمینه منیر لاهوری، که از شعرای برجسته قرن ۱۷ محسوب می‌گردد، در توصیف کشمیر مثنوی موسوم به «بهار جاوید» (۲۶۲۴ بیت) انشا کرده است. باعث تذکر است که بعضی لحظه‌های حیات و ایجادیات منیر لاهوری در «شاه‌جهان‌نامه»، «مجمع‌النفایس»، «مرآت‌الخیال»، «تذکره حسینی»، «سرو آزاد»، «گل رعنا»، «نتایج‌الافکار»، «شمع انجمن»،

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۲۹۴.

«روز روشن» و غیره‌ها ثبت یافته است، اما در هیچ کدامی از این منابع در خصوص در کشمیر بودن یا نبودن منیر و به قلم او تعلق داشتن مثنوی «بهار جاوید» اشاره‌ای نرفته است. راشدی نسخه خطی این مثنوی را از کتابخانه شخصی احمد حسین قلعه‌داری دریافت کرده، آن را به طور کامل در «تذکره شعرای کشمیر» چاپ نمود.<sup>۱</sup>

جنبه‌های مهمی که مثنوی «بهار جاوید» را از دیگر کشمیریات امتیاز می‌بخشد، با مناجات و نعت آغاز یافتن آن محسوب می‌شود. زیاده از این، شاعر به وصف نگار مرده‌شوی، کمانگر ماهروی، بت بزاز، بت نجار، ساربان و غیره پرداخته است که به مثنوی یک نوع خصوصیت شهرآشوبی بخشیده است. برابر این، وی در ردیف توصیف مناظر کشمیر و وصف بهار و زیبایی‌های آن به ستایش باد و باران و موسم بارندگی و زمستان می‌پردازد که ویژگی مذکور را به جز در مثنوی کلیم کاشانی در مثنوی‌های دیگر دچار نمی‌آییم.

از آن جمله، در وصف کوه‌های کشمیر (پیر پنجال، کوه ماران) ابیات زیادی سروده که با بخش‌های علی‌حده ذکر گردیده‌اند.

منیر لاهوری به وصف شاه‌نهر کشمیر که موضع بزرگ آبی این دیار به شمار می‌رود، اهتمام ورزیده، آن را منبع الهام خویش به شمار می‌آورد:

چو وصف شاه‌نهر او نگارم هزاران شاه‌بیت از لب برآرم<sup>۲</sup>

نوای آبشار کشمیر را منیر با دقت تام گوش کرده، آن را نشاط افزای طبع خویش می‌شمارد و نقش میان آن را همیشه می‌ستاید. شاعر آبشار کشمیر را به مثل یک فرد زنده به قلم داده است. در تصویر او آبشار کشمیر به مثل انسان شادی و غم دارد:

نوای آبشار او بود تر نشاط افزای طبع عیش‌پرور

نظر بر عیش سازی می‌گمارد غمی از چین پیشانی ندارد<sup>۳</sup>

منیر لاهوری نه تنها برای توصیف و ستایش کوهسار و آبشارهای کشمیر قریحه

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۵۰۰-۱۵۴۶.

۲. همان، ص ۱۵۴۱.

۳. همان.

هنری خویش را مصرف کرده است، بلکه اهتمام ورزیده است که اشعار خوبی در وصف باغ‌های بی‌نظیر آن بسراید. از آن جمله، او در مثنوی خویش صفت باغ فرح‌بخش کرده، کوشیده است که وصف این باغ جنت مثال کشمیر را ماهرانه به جا آورد. در بیت اول قطعه زیر صنعت تجنیس را هنرمندانه به کار گرفته، واژه و عبارت‌های

«فرح‌بخشی»، «فرح‌بخش» و «فرح‌بخش» را با تکرار زیبایی استفاده کرده است:

فرح‌بخشی کند باغ فرح‌بخش      که دارد باغبانش از فرح‌بخش  
 به سان شاهدان سرو نکو حال      ز موج گل به پا افکنده خلخال  
 چنان آماده وصف بهار است      که نرگس را قلم ریحان‌نگار است  
 ز سوسن‌زار بین با چشم ادراک      هزاران تیغ در هر قبضه خاک<sup>۱</sup>

به طوری که به مشاهده رسید، شعرا در مثنوی‌های خود باغ‌های کشمیر را همچون گوشه‌های زیباترین این سرزمین به قلم داده‌اند و حتی در صفات یکی از باغ‌های کشمیر مثنوی‌های علیحده ایجاد کرده‌اند. مثلاً، مثنوی ملا حسن فروغی کشمیری (وفات ۱۶۶۶) در تعریف باغ حیات‌بخش نام دارد.

میر الهی نیز در وصف کشمیر مثنوی دارد. مهم‌ترین مختصات مثنوی او در آن ظاهر می‌گردد که وی بیشتر کوشیده است که میوه‌های این دیار سیب، بادام، توت، آلوچه، گیلاس، زردآلو، شفتالو و آبشارهای این منطقه را وصف نماید. در وصف حوض باغ فرح‌بخش با محبت بی‌اندازه سخن کرده است. در وصف چنار آن باغ چنین نوشته:

به فرق آفتاب از مهربانی      ز هر برگ کشیده سایه‌بانی<sup>۲</sup>

صیدی صفاهانی نیز در تعریف کشمیر مثنوی موزون ساخته، در وصف راه‌های کشمیر و دشواری آنها گفته است:

ز بیم جان در او صد جا زیاده      شود از باد بوی گل پیاده<sup>۳</sup>

طغرای مشهدی نیز از جمله و صافان کشمیر محسوب می‌گردد. او چند مثنوی خرد

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۳، ص ۱۵۳۶.

۲. کشمیر میں نقای ادب: یکی ارتق، ص ۱۲۳.

۳. اصلح، محمد مرزا، تذکره شعرای کشمیر، ص ۲۴۷.

به وصف کشمیر سروده، در داخل رساله‌های خود جای داده است و در آنها توانسته است که محبت خویش را به این سرزمین زیبامنظر اظهار دارد. محمد سعید اشرف مازندرانی نیز در وصف کشمیر مثنوی سروده، در آن زیبایی‌های طبیعت این سرزمین را ماهرانه تصویر کرده است. به قلم محمد قلی سلیم طهرانی (وف. ۱۶۴۷) نیز مثنوی در تعریف کشمیر منسوب است. بنا به معلوماتی که در «تذکره نثرآبادی»، «نتایج الافکار»، «مرآت آفتاب‌نما»، «صحف ابراهیم»، «سرو آزاد»، «مجمع‌النفایس»، «ریاض‌الشعرا» و غیره درج شده است، شاعر مثنوی را که در تعریف لاهنجان گفته بود، اندک تغییر داده، به کشمیر نسبت داد. دیگر از شعرای این عهد که به توصیف کشمیر مثنوی سروده است، عنایت خان آشنا است. نامبرده سال‌های ۱۶۵۸-۱۶۷۰ در کشمیر اقامت گزیده، هم آنجا از عالم درگذشت. وی «مثنوی در صفات کشمیر» انشا نمود. مولانا حیدر متخلص به خصالی که با ظفرخان احسن به کشمیر آمده، در اینجا رخت اقامت نهاد، دلدادۀ فضای زیبای کشمیر گشته، در تعریف این سرزمین مثنوی گفته است:

سحرگه بلبلی می‌کرد تفسیر      ز سنبلی آیتی در شان کشمیر  
که ای جنت، به پیش قیمت سهل      بیا، کشمیر را دریاب، نااهل...  
نهالش را رطوبت در کنار است      گلش را خون بلبلی آیار است<sup>۱</sup>

مثنوی دیگری که در وصف کشمیر سروده شده است، به قلم میر یحیی کاشی متعلق است و به اسم «در تعریف کشمیر» موسوم گشته است. از آن مثنوی است:

چنان خاکش برای میوه نغز است      که بادام از ترقی چارمغز است<sup>۲</sup>

یکی از مثنوی‌های ارزشمند به وصف کشمیر سروده شده «در تعریف چراغان روی دال» نام دارد که به قلم میرزا داراب بیگ جويا متعلق بوده، بنا به فرمودۀ یکی از استادان کشمیر میرزا برهان فاضل نوشته شده است.

۱. کشمیر میں نئی ادب: یکی ارتخ، ص ۱۲۸.

۲. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرا کشمیر، ج ۳، ص ۱۶۹۲.

همین مؤلف در وصف کشمیر مثنوی دیگری نیز سروده که با نام «حسن معنی یا در تعریف کشمیر جنت نظیر» موسوم است. در این مثنوی شاعر از کوه پیر پنجال، توصیف وفور گل و شاه، تالاب دال، وصف باغ‌های شالامار، نشاط، نسیم، بهرا راه، الهی، چشمه جواهرنگ و دیگر مناطق و مناظر کشمیر خلدنظیر با هنر خاصه شاعری صفت کرده.

وصف بهار کشمیر، باغ‌های آن و دیگر مناطق دلفریب این خطه در مرکز اشعار ظفرخان احسن نیز قرار داشتند. او در مقدمه دیوانش نسبت به اشعاری که به کشمیر بخشیده است، چنین اندیشه دارد:

”ابیات تعریف کشمیر از راه موافقت و رسایی همه دلپذیر و کشمیر دلپذیر بی رعایت قافیه هم جنت‌پذیر. اگر چه شعرای فصاحت شعار هر عهد و ادبای بلاغت ایثار هر عصر در تعریف و توصیف این بلده بی‌نظیر نکته سرایی‌ها کرده‌اند، اما بر سخن‌شناسان دقایق پیشه و موشکافان نازک‌اندیشه پوشیده نیست که چون این رطب به آن یابس و این غسّ به آن سیمین به نظر انصاف درآید، تفاوت از جسم است تا جان و از زمین تا آسمان و از صالح به فاسد و رایج به کاسد و خار به گل و حسان عجم به زید و... بیگانگی به آشنایی“<sup>۱</sup>.  
 آب و هوای کشمیر در دل ظفرخان آنچنان مسکن گرفته که درباره آنها اشعار کثیر سرود. از آن جمله، مثنوی «هفت منزل» در تعریف این سرزمین گفته شده است. از آن جاست:  
 الهاء، تا بود کشمیر آباد ز گلزار خراسانم مده یاد  
 به هرکس هرچه خواهد، بی‌سخن ده مرا کشمیر و بلبل را چمن ده<sup>۲</sup>  
 به طوری که در باب اول رساله ذکر شده بود، ظفرخان احسن در زمان استاندار کشمیر بودنش در بنیاد باغ‌های زیاد اهتمام ورزیده است. از آن جمله، باغ‌های ظفرآباد، گلشن، عنایت و احسن‌آباد به امر او بنیاد گشتند. احسن درباره این باغات چنین گفته:

۱. اسلم خان، محمد، ظفرخان احسن، ص ۴۳.

۲. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۱، ص ۶۹.

ظفرآباد ما کم از جنان نیست      چنین پرفیض باغی در جهان نیست<sup>۱</sup>  
 همچنین، در وصف باغ الهی و باغ حسن آباد اشعاری آبدار سروده:  
 یکی زان باغ‌ها باغ الهی‌ست      که رضوان را ز رشکش چهره کاهی‌ست  
 حسن آباد ز آنها هست ممتاز      گلش در دلربایی شوخ و طنّاز<sup>۲</sup>  
 در وصف دیگر باغ‌های کشمیر نیز با یک جهان محبّت و صداقت داد سخن داده،  
 آنها را «آبروی صد بهار» و «رشک جنت» می‌شمارد:  
 به دور دال گلستان بی‌شمار است      که هر یک آبروی صد بهار است<sup>۳</sup>  
 ملاشاه بدخشی در یکی از قسمت‌های رساله «نسبت» (۵۸۹۰ بیت) موسوم  
 به «بهاریات گل‌ها» (۳۵۰ بیت) از زیبایی ۳۰ نوع شکوفه درختان و گل‌هایی که در  
 کشمیر موجود است، به مانند گل بادام، امرو، نشپاتی، نسرین، یاسمن، نرگس، سوسن،  
 نسترن، لاله، همیشه‌بهار، حریفی، تاج خروس، قلعه‌گی، جعفری، نازبو، زعفران، نیلوفر،  
 آفتاب‌پرست و غیره سخن می‌رود.  
 از شعرای دیگری که کشمیری الاصل بوده، شیفته آب و هوای این خطه خوش آب  
 و هوا گردیده بود، محمد اسماعیل کشمیری متخلص به بینش است. او در تعریف بهار  
 کشمیر، کوه پیر پنجال، چشمه صفاپور و دیگر مناطق کشمیر اشعاری مجزاً و دلچسپ  
 سروده است. از آن جمله، در تعریف بهار کشمیر می‌خوانیم:  
 به سان تاک در اطراف بستان      توان گردید بر گرد درختان  
 نمی به گردنش جدایی      بزرگان راست با هم آشنایی<sup>۴</sup>  
 بینش کشمیری در صفای چشمه صفاپور جلوه کوه را مشاهده کرده، آن را با چشم  
 سرمه‌سای شیرین مشابه می‌بیند:  
 در آبش بسته اکثر کوه آیین      کشیده سرمه گویی چشم شیرین<sup>۵</sup>

۱. ظفرخان احسن، ص ۴۲.

۲. همان.

۳. همان.

۴. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۱، ص ۱۴۶.

۵. همان، ص ۱۴۷.

برخی از شعرا محبت خویش را نسبت به کشمیر در رباعی و مفردات تبیین کرده‌اند. در این زمینه می‌توان از چند رباعی طغرای مشهدی یادرس شد که در گفتن رباعی پیشدستی دارد:

کشمیر بهشت بی‌در و دیوار است      تا چشم کند کار گل و گلزار است  
کو صفحه، نهال او که در تعریفش      جوی قلم از آب سخن سرشار است  
همچنین جای دیگر فرموده:

کشمیر بود فصل خزان عالم نور      بر طالب فیض دیدنش هست ضرور  
گویا که در این باغ چمن‌ساز قضا      آورده نهال شعله از خرمن طور<sup>۱</sup>  
مستغنی کشمیری در صفات کشمیر رباعی زیرین سروده:

دوشینه به چشم دل نهان از مردم      دیدم نه بهشت، بلکه کشمیر دوم  
خاکی ز عبیر و مشک آگنده خمیر      آبی ز صفا وجود خود یافته قم<sup>۲</sup>

به طوری که می‌بینیم، طبیعت کشمیر به حدی زیبا بوده است که شعرا از نشئه آب و هوای آن به وجد آمده، در تحریر مناظر و مناطق بی‌مثال آن خامه موشکاف تخیل بی‌نظیر و طبع روان‌شان را به کار گرفته‌اند. این است که اشعار به وصف کشمیر سروده شعرا از لحاظ هنری و پرواز تخیل مقام خاصه دارند.

گروه دیگر در ابراز محبت خویش به کشمیر به نظم قناعت نکرده، به آثار منثور گراییده‌اند. در این زمینه هست که در وصف کشمیر یک عده آثار نثری هم تألیف شده که ذکر برخی از آنها را لازم می‌شماریم.

ملاشاه بدخشی رساله‌ای موسوم به «رساله تعریفات خانه‌ها و باغات و منازل کشمیر» نوشته، در آن منظره‌های فرحبخش این دیار را تصویر کرده است.

ملا طغرای مشهدی که به سبب مقبول طبع او افتادن آب و هوای کشمیر انتهای عمرش را آنجا گذرانیده، هم آنجا خاک شده است، در صفات طبیعت کشمیر، راه‌ها و شهرها و مناظر و مناطق مشهور آن رساله‌های منثور تهیه کرده است که از جمله آنها

۱. کشمیر میں نئی ادب: یکی تاریخ، ص ۱۳۲-۱۳۳.

۲. اصلح، محمد مرزا، تذکره شعرای کشمیر، ص ۳۸۷.



رساله «فردوسی» است. رساله مذکور به وصف کشمیر، فواکه آن، سرود و حسن همیشه بهار کشمیر، مناظر آب دال، باغ فیض بخش، قصر باغ فیض بخش و دیگر مناطق این دیار زیبا منظر بخشیده شده است. طغرا سخن خویش را با یک پارچه شعری شروع کرده، کشمیر را گلی از صنعت خداوند می داند:

هضیض وصف صنعش اوج تحریر گلی از صنعتش گلزار کشمیر

سپس به وصف کشمیر می پردازد که آن صورت ذیل دارد:

”حبذا شهری که شمیم گلستانش به طرف بدخشان وزد، آب لعل به وی گلاب گردد. و اگر نسیم چمنش به جانب یمن غلطلد، چون عقیق رنگ زمرّد پذیرد. در دامن کوهسارش یاسمین از بس به یکدیگر بافته، مخمل سبزه در هیچ طرف جای خواب نیافته“<sup>۱</sup>.

همین طریق، در بخش اول رساله مذکور طغرا از کشمیر و نزهت و آرایش عجایب آن سخن می کند. سپس به وصف میوه های کشمیر می پردازد. از آن جمله، در صفات فواکه کشمیر در این رساله چنین آمده:

”چشمی را سررشته لذت بنایست که به اندازه میوه های الوانش کمند نگاه کُشوده و دستی را پای ذوق رسایست که در شاخسار درختانش پرنور جلوه کرده. زردآلوی آفتاب از تار شعاعی به نخل باغش همه روز در تلاش پیوند و کله ماه نو از رشته زیبایی به شاخ شجر آسمان سراغش همه شب پیوند“<sup>۲</sup>.

یکی از خصوصیت های مهم رساله مزبور در آن ظهور می کند که آن تنها به نثر تألیف نشده، بلکه در منتهای هر بخش آن اشعار آبدار نیز الحاق گردیده. دیگر آثار منثور هم که به تعریف کشمیر اختصاص یافته، به قلم طغرا متعلق است، «تعدادال نوادر» (در حالات راه کشمیر)، «مجمع الغرایب» (در تعریف چشمه کمان در کشمیر) و «تجلیات» (در تعریف کشمیر و مدح میر حسین سبزواری).

۱. راشدی، سید حسام الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۲، ص ۷۵۳.

۲. همان، ص ۷۵۵.

ملا شیدا نیز که نهایت عمرش را در کشمیر به سر برد، در تعریف این سرزمین و سیر دیار مذکور اثر منثور تألیف کرده است.

اثر دیگر نثری که در صفت طبیعت کشمیر با تمام وجوهش به قلم آمده، «قرنیه» عنوان داشته، به قلم عنایت خان آشنا منسوب است. این مؤلف که نه تنها چندی استنادار کشمیر بود، بلکه در این خطه گوشه‌گیر شده بود، در توصیف آن سخن‌های صمیمی نیز گفته است. از آن جمله، او در مورد زیبایی‌های کشمیر، نزهت باغ‌ها و درختان، چشمه‌ساران و جزیره‌های دلکش آن بلاد چنین قلم‌فرسایی کرده:

«مجملاً به حسب نزهت و صفا و لطافت آب و هوا و وفور ریاحین و اشجار و کثرت فواکه و اثمار و تعدد باغ‌های خوش و جزیره‌های دلکش و چشمه‌سارهای تسنیم زلال و تالاب‌های کوثرمثال و آبشارهای فرح‌افزا و بیلاقات دلگشا بهترین معموره‌های دنیا است... خوبی‌های آن عرصه دلپذیر و خوشی‌های آن خطه فردوس نظیر زیاده از اندازه تحریر و تقریر است»<sup>۱</sup>.

از این توصیف مؤلف نتیجه برداشتن ممکن است که کشمیر چه گونه خطه‌ای است و وجه اشتها آن در چیست. زیرا عنایت خان آشنا در یک پارچه خرد توانسته که اغلب وجوهات کشمیر را به قلم آورد.

یکی از ویژگی‌های مهم «قرنیه» در آن تظاهر می‌نماید که در این اثر مؤلف بیشتر به اوضاع جغرافیایی نهر و تالاب، چشمه‌ساران، باغ‌ها، انواع اشجار و فواکه خاصه این باغ‌ها، تاریخ بنیاد معماری‌ها و منسوبیت آنها به اشخاص سازنده، ویژگی‌های خاصه عناصر طبیعی، افضلیت و امتیاز آنها و غیره‌ها متوجه گردیده است.

مؤلف مذکور در اثر خویش مخصوصاً راجع به اصول بنیاد و وجوهات خاصه باغ‌های کشمیر که از نمونه‌های برجسته معماری این خطه زیبا منظر محسوب می‌گردند، به طور مفصل و ذکر معلومات جالب توجه تاریخی سخن می‌راند. از این لحاظ، در «قرنیه» راجع به باغ‌های کشمیر، به مانند فرح‌بخش، فیض‌بخش، نشاط، نورافزا، بهرا را، عیش‌آباد، جهان‌آرا، نورافشان، مراد، صفاپور، نسیم، سیف‌آباد، الهی، ظفرآباد، حسن‌آباد،

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۷۹۲-۱۷۹۳.

فیروزخان، یعقوب شاه، خدمت خان، باغات جزایر ریشیان، باغ صفا، باغ گربه که موسوم به شاه‌آباد است، سیرگاه صفاپور و غیره معلومات غریب به قلم آمده که در شمار دیگر معلومات‌ها جهت آموزش تاریخ و جغرافیای آن سرزمین اهمیت دارند. آشنا در برابر توجّه به باغ‌ها به ویژگی‌های دیگر مناظر طبیعی نیز اهمیت می‌دهد. از این رو، او در شناخت زیبایی‌های کشمیر، توصیف مناظر مختلف طبیعی، چون نهر و رودها، حوز و تالاب‌ها راه می‌گشاید.

خصوصیت مهمّ توصیفات مؤلف «قرنیه» از طبیعت کشمیر در آن ظهور می‌کند که او برابر وصف و ستایش مناظر و مناطق از حالت‌های جای‌گیر شوی جغرافیایی آنها نیز سخن می‌کند که در شناخت ماهیت جغرافیایی این سرزمین اهمیت دارند. مثلاً ضمن توصیف آب چشمه ویرنگ که منبع آب بهت است، حالت جغرافیایی آن را چنین بها می‌دهد:

“آب چشمه ویرنگ از طرف جنوب می‌آید و در راه رودها و چشمه‌های بسیار به آن ملحق می‌شود و دریای عظیمی شده، از وسط شهر می‌گذرد. و به جانب شمال رفته، به کولاب محیط وسعتی که به تال اولر مشهور است، داخل می‌شود”<sup>۱</sup>.

در مورد صفت باغ فرح‌بخش نیز موقعیت جغرافیایی آن با نکته‌های روشن بازگویی می‌کند که خیلی معتمد محسوب می‌یابد:

“...این باغ نه‌ری دارد، به عرض ده گز که از خیابان وسط باغ می‌گذرد و از چندین حوض و آبشار گذشته و عریض شده از میان خیابان رو به روی باغ که یک هزار گز طول دارد و بر دو طرف آن چنار و سفیدار به یک قطار نشانده‌اند، داخل دال می‌شود”<sup>۲</sup>.

از معلومات و اصول نگارش نویسنده اثر برمی‌آید که او ضمن بها دادن به وضع باغ‌ها و مناظر طبیعی خطّه بیشتر به مسایل جغرافیا و حالات و موقع جای‌گیر شوی آنها

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۷۹۲.

۲. همان، ص ۱۷۹۵.

توجه ظاهر می‌نماید. جنبه توصیفی و بهادهی شاعرانه نسبت به اشعار به کشمیر بخشیده شعرا در اینجا کمتر به نظر می‌رسد. این خصوصیت ضمن سخنرانی عاید به باغ‌های کشمیر همیشه رعایت می‌شود. مثلاً، در صفت باغ نشاط نوشته:

«دیگر باغ نشاط است که در سمت جنوبی در دامنه کوه نگ واقع شده»<sup>۱</sup>.

ضمن توضیح باغ فرح‌بخش و قیاس آن با دیگر باغ‌های کشمیر چنین می‌نویسد:

«... در پشت باغ مذکور متصل به آن باغی دیگر طرح فرموده، به فیض‌بخش موسوم گردانیده‌اند و مقرر کرده‌اند که خیابانی به همان عرض که شاه‌نهر نیز از میان آن جریان می‌کرده، ترتیب دهند»<sup>۲</sup>.

موضع‌ها و مناظر کشمیر هر یکی با زیبایی خاصه و لطافت و نزاکت ویژه که آنها را از هم امتیاز می‌بخشد، توانسته‌اند کشمیر را به گونه‌ای اشتها بخشند. در تقویت این گفته می‌توان به معلومات آشنا رجوع نمود که در «قرنیه» بیشتر به مختصات ویژه باغ‌ها و کوه و کوهتل کشمیر توجه ظاهر کرده است، تا ما هر چه بیشتر به اصالت زیبایی کشمیر از نزدیک آشنایی پیدا نماییم. مثلاً، در صفت کوهتل رتن پنجال می‌نویسد که

«به بسیاری سبزه و ریاحین و اشجار ضرب‌المثل روزگار گشته»<sup>۳</sup>. از این معلومات مؤلف ما می‌توانیم پی بریم که آنجا بیش از همه ریاحین و اشجار بوده.

آشنا هنگام سخنرانی درباره باغ نورافزا تأکید می‌کند که «شکوفه بادام به خوبی وفور آن در باغ دیگر نمی‌شود»<sup>۴</sup>. از معلومات مؤلف به خوبی نتیجه برداشتن ممکن است که در باغ مزبور بادام افضلیت دارد و بادامهای این باغ در قلمرو هند نظیر ندارند. یا در مورد سخنرانی عاید به باغ بحرآرا تأکید می‌نماید که «چنارهای قدکشیده به اندام دارد»<sup>۵</sup>. از این معلومات روشن می‌گردد که میان دیگر اشجار در این باغ چنارهای قامت‌بلند امتیاز داشته، با نظام و اندام زیبای خویش موجب اشتها زیبایی آن

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۷۹۶.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۷۹۵.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۷۸۸.

۴. همان، ص ۱۷۹۶.

۵. همان.

گردیده‌اند. اما این معنای آن را ندارد که چنارهای باغ بحرآرا بی‌نظیر باشند. زیرا از معلومات مؤلف اثر می‌توان نتیجه برداشت که او تنها از موجودیت چنارها سخن می‌کند و بس. ولی هنگام توصیف باغ نورافشان به تأکید می‌گوید که چنارهای عادی همقد قطار به قطار از کنار بهت سر کشیده و به این خصوصیات در جامع باغات ممتاز است.<sup>۱</sup>

از این سخن مؤلف به روشنی نتیجه‌ای به دست می‌آید که چنارهای باغ نورافشان مشابهی ندارند و آنها وجه امتیاز این باغ از دیگر باغ‌های کشمیر گردیده. یعنی زیباترین چنارهای کشمیر مربوط به باغ نورافشان بوده‌اند.

در وسط باغ الهی، بر کنار حوض چنار سال‌خورده عظیمی واقع است:

”تنه آن در آغوش هشت مرد قوی‌هیکل درمی‌آید و دور تنه آن چهارده گز است، هر شاخش برابر بر تنه چنار عظیمی است و از هر دو طرف زیاده بر سی‌گاز زمین در سایه آن است. به این کلانی چنار در کابل و کشمیر دیده نمی‌شود. احتمال که در هیچ سر و سیر دیگر هم نیست. و بر بالای آن فرج‌های شاخه‌ها را به قدر گنجایش بر خاک کرده، گل سرخ و رعنا و نرگس و سوسن و لاله چوغاس کاشته‌اند و هر کدام در هر موسم خود به قدر پستی و بلندی شاخه‌ها طبقه به طبقه شکفته می‌گردد و بسیار غریب در نظر جلوه می‌کند. و از عظمت چنار این تصرف به روی کار آمده“<sup>۲</sup>.

معلوم است که اینجا تنها سخن درباره عظمت چناری می‌رود. ولی غرابت این چنار موجب اصلی اشتها این باغ گشته. به این خاطر، مؤلف تحت تأثیر غرابت و بزرگی آن گشته، با ذوق آن را صفت می‌نماید.

مهم‌ترین مختصات باغ یعقوب شاه نیز در آن تظاهر می‌کند که صاحب چنارهای زیاد است و این نکته را آشنا در «قرنیه» ذکر کرده است.<sup>۳</sup>

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۷۹۷.

۲. همان، ص ۱۷۹۹.

۳. همان، ص ۱۸۰۰.

این خصوصیت عمده را برای باغات شهاب‌الدین پور نیز ذکر می‌نماید که زیاده بر یکصد چنار تنومند سال‌خورده سایه‌گستر دارد.<sup>۱</sup>

مؤلف «قرنیه» در تقریر باغ شاه‌آباد سخن رانده، اظهار می‌دارد که باغ مذکور «در میان دل واقع شده و آب هر چار جانب آن محیط است»<sup>۲</sup>.

باغات جزایر ریشیان نیز از زمره زیباترین باغ‌های کشمیر محسوب می‌گردد. در توصیف این باغات زیبا آشنا می‌نگارد:

”بهترین همه باغ گنگه ریشی است. و آن باغی ست بی حصار که با بوستان طرازی قدرت باری تعالی پرورش یافته. زمینش به مرتبه‌ای سبز و خرم است که گویی مخمل سبز گسترده‌اند. و درختان میوه سر در سر یکدیگر گذاشته سایه افکن شده که آفتاب اصلاً به زمین نمی‌تابد“<sup>۳</sup>.

باید گفت که توصیف مؤلف خیلی زیبا صدا داده، از زمره نادرترین سخن‌های صمیمانه در صفت این باغ است. این نکته گواه آن است که برابر ذکر اخبار جغرافیایی و مقام تاریخی باغ‌ها مؤلف گاهی به توصیف آنها نیز می‌پردازد که آن بی‌واسطه زاده احساس و محبت خود او به زیبایی‌های کشمیر است.

بنیاد ده اچھول یکی از نشانه‌های بزرگ معماری کشمیر محسوب می‌گردد. عنایت خان آشنا ضمن توصیف آن با محبت قلم‌فرسایی کرده، تأکید بر آن می‌دارد که “خوبی‌های موضع مذکور و خصوصیات آن تعلق به دیدن دارد و به تقریر و تحریر در نمی‌آید”<sup>۴</sup>.

آشنا همچنین در صفت آن نوشته است:

”عمارات عالی برای محل و غسل‌خانه و خاص و عام ساخته‌اند. و چشمه‌ای در کمال سردی و صفا از میان حوض و ایوان عمارات محل جوشیده، از آنجا به حوض کلان پیش ایوان می‌آید و چندین چشمه دیگر از حوض مذکور

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۸۰۱.

۲. همان، ص ۱۷۹۷.

۳. همان، ص ۱۸۰۰.

۴. همان، ص ۱۸۰۷.

برآمده، به آن متعلق می‌شود. و از آنجا به حوض و جوی آبشار بسیار جریان کرده، بیرون باغ می‌رود<sup>۱</sup>.

جهت وصف این مناظر زیبا آشنا تأکید می‌نماید که چنین سرچشمه کوشر زلالی در جهان کمیاب است. در رابطه به همین گفته است که جهت تقویت فکر خویش دو بیت از اشعار حاجی محمدجان در توصیف این چشمه می‌آرد:

به آبش آب زمزم چون ستیزد      که این از چشمه، آن از چاه خیزد  
چه افسون است، با این چشمه نوش      که دایم دیگ سردش می‌زند جوش<sup>۲</sup>

از اینجا یکی از خصوصیات مهم جنبه توصیفی «قرنیه» را می‌توان تبیین نمود. مؤلف اثر هنگام تفسیر و توصیف مناظر و باغ‌ها و معماری‌های کشمیر به اشعاری که در صفت آنها شعرا سروده‌اند، رجوع می‌نماید.

آشنا در توصیف و جهت‌های خاص یکی از چشمه‌سارهای دیگر کشمیر که به ویرنگ موسوم است، چنین نوشته:

”چشمه ویرنگ منبع دریای بهت است و از حیثیت هوا و سردی و بسیاری  
آب و کثرت ماهی بهترین چشمه‌سارهای عرصه دلپذیر کشمیر، در تمام جهان  
بی‌نظیر است“<sup>۳</sup>.

در تقویت اندیشه خویش به چند بیت داستان توصیفی کلیم کاشانی رجوع فرموده که این نکته از مختصات اصول توصیف و ستایش مؤلف «قرنیه» است که به این نکته اشاره هم رفته بود.

یکی از خصوصیت‌های مهم «قرنیه» در آن تظاهر می‌نماید که مؤلف آن حین بها دادن به عناصر متفرقه معماری کشمیر به مسایل تاریخ برآمد نام محل، ریشه نام و منسوبیت اسمی باغ‌ها متوجه می‌گردد.

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۸۰۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۸۰۸.

آشنا کوشیده است که ریشه نام باغ‌ها را نیز مقرر نماید. مثلاً، هنگام بها دادن به معماری مچّهی بهون مؤلف «قرنیه» ذکر می‌کند که «کشمیریان مکان را بهون و ماهی را مچّهی می‌گویند و چون چشمه اینجا بسیار ماهی دارد، لهذا بر این نام اشتهاار یافته است»<sup>۱</sup>.

در ردیف این گفته می‌توان افزود که آشنا ضمن بحث درباره مکان‌های زیبا با توصیف‌های ناتکرار و بلندمضمون سخن کرده، برخی معلومات تاریخی را نیز ذکر می‌سازد که ارزش خوب علمی دارند. مثلاً، در صفت مکان مذکور ذکر می‌نماید که «مثل آن سرچشمه چشم فلک به روی زمین کم دیده»<sup>۲</sup>. در واقع، این گفته مؤلف از توصیف‌های ناتکرار و بلند است. راجع به بنیاد و ترمیم عمارات آن سرچشمه چنین می‌نگارد:

«اول جای سهلی بوده و همین چشمه پُر ماهی داشته. یمین‌الدوله آن مکان فیض‌نشین دلنشین را تعمیر کرده و عمارات خوش و باغ‌های دلکش ساخته»<sup>۳</sup>.

به همین طریق، شعرا جهت اظهار محبت خود به کشمیر، منظره‌های زیبا و دلنشین آن و وضع جغرافیایی آن اشعار آبدار سروده‌اند که این محبت در انواع مختلف ادبی منعکس گردیده است. همین بوده که محبت کشمیر بخش مهم آثار ادبیات فارسی را تشکیل داد، باعث تحوّل هنری شعرا گردید. شعرا توانسته‌اند که در بیان صفات کشمیر و ستایش عمده‌ترین فضیلت‌های آب و خاک این دیار دلپذیر تمام مهارت هنری خویش را به کار گرفته، در ایجاد معانی ناب، مضمون‌های تازه اهتمام ورزیده، اقتدار هنری خویش را در انواع گوناگون ادبی، چون غزل و قصیده، مثنوی، رباعی و مفردات و غیره بیازمایند.

۱. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۴، ص ۱۸۰۶.

۲. همان.

۳. همان.



## منابع

۱. اصلاح، محمد مرزا، تذکره شعرای کشمیر، به تصحیح و حواشی سید حسام‌الدین راشدی، کراچی، پاکستان، ۱۹۶۷.
۲. اسلم خان، محمد، ظفرخان احسن، دهلی.
۳. اقبال، محمد، پیغام شرق (مجموعه شعرها)، مرتب ع. غفوروف، دوشنبه، ادیب، ۱۹۸۷.
۴. پلارکین و.ا. کشمیر، مسکو، علم، ۱۹۵۶. (به زبان روسی)
۵. حبیبوف ا.، از تاریخ روابط ادبی بدخشان با هندوستان (عصرهای ۱۶-۱۷ و ۱۸)، دوشنبه، دانش، ۱۹۹۱.
۶. خواجه اعظم دیده‌مری، تاریخ اعظمی، سری‌نگر، ۱۸۸۶.
۷. راشدی، سید حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، ج ۱، ۲، ۳ و ۴، کراچی، ۱۹۶۷.
۸. ریاض، محمد، سرزمین و مردم کشمیر، هلال، ۱۹۶۹، شماره ۹۵.
۹. سروری، عبدالقادر، کشمیر میں نئی ادب، کی آرٹس، سری‌نگر، ۱۹۶۸. (به زبان اردو)
۱۰. شیروانی، ریاض احمد، غنی کشمیری، سری‌نگر بدون سال نشر.
۱۱. عاصمی م.، خاطرات سفر هندوستان، صدای شرق، ش ۴، ۱۹۸۴.
۱۲. قصاد عرفی، به اهتمام مسرا سپرنتندنت، لکهنو، ۱۹۶۶.
۱۳. نهرو، جواهرلعل. بازگشای هند، ترجمه از انگلسی. و.و. اسکاویچ، اس. کلیونسکای، د. ه. کینا او.ن. پاولافه، مسکو، نشریات ادبیات سیاسی، ۱۹۸۹، کتاب دوم. (به زبان روسی).